یادداشت

جنگ تمام می‌شود؛ نظم می‌ماند

ایران چگونه می‌تواند بدون پذیرش صلح تحمیلی نظم آینده را شکل دهد؟

رحمت‌الله دریجانی

همه جنگ‌ها تاریخ‌ساز نیستند؛ همان‌گونه که همه صلح‌ها نیز صلح‌آفرین نیستند. آنچه مسیر تاریخ را تغییر می‌دهد، نه نخستین شلیک است و نه خاموش‌شدن آخرین گلوله، بلکه قواعدی است که پس از جنگ شکل می‌گیرد. بسیاری از نبردهای ویرانگر تنها زخمی بر حافظه ملت‌ها بر جای گذاشته‌اند، اما بحران‌هایی کم‌هزینه‌تر، با خلق نهادها و قواعد جدید، نظم منطقه‌ای و حتی جهانی را برای دهه‌ها دگرگون کرده‌اند. از این‌رو، پرسش اصلی سیاست بین‌الملل دیگر این نیست که «چه کسی قدرتمندتر می‌جنگد؟» بلکه این است که «چه کسی آینده پس از جنگ را طراحی می‌کند؟».

خاورمیانه امروز بار دیگر در برابر چنین پرسشی قرار گرفته است. تحولات نظامی که با حملات آمریکا و اسرائیل به ایران در ۹ اسفند ۱۴۰۴ (۲۸ فوریه ۲۰۲۶) آغاز شد، پس از دوره‌ای از درگیری مستقیم، آتش‌بس شکننده و توافق موقت هنوز به ثباتی پایدار نرسیده است. تشدید دوباره تنش‌ها، اختلاف بر سر امنیت تنگه هرمز و استمرار فشارهای نظامی نشان می‌دهد که منازعه از یک رویارویی صرفاً نظامی عبور کرده و به رقابتی بر سر قواعد نظم آینده منطقه تبدیل شده است.

در چنین وضعیتی، تمرکز صرف بر میدان نبرد، تصویری ناقص از آینده ارائه می‌دهد. آنچه سرنوشت بحران‌ها را تعیین می‌کند، تنها توان تخریب نیست، بلکه توان تبدیل بحران به نظم است. میان «قدرت تخریب» و «قدرت طراحی نظم» تفاوتی بنیادین وجود دارد. نخستین توان تحمیل هزینه به رقیب است؛ دومین توان تبدیل دستاوردهای سیاسی و امنیتی به قواعد، نهادها، تضمین‌های حقوقی و ائتلاف‌های پایدار است. کشوری ممکن است در میدان نبرد برتر باشد، اما اگر دیگران قواعد پس از جنگ را بنویسند، پیروزی تاکتیکی او به دستاوردی راهبردی تبدیل نخواهد شد. تاریخ بارها نشان داده است که یکی از بزرگ‌ترین خطاهای دولت‌ها، گرفتارشدن در «تله پیروزی نظامی» است؛ این تصور که برتری در میدان جنگ، به‌طور خودکار برتری در میز مذاکره را نیز تضمین می‌کند. حال آنکه پیروزی نظامی، اگر به نهادسازی و نظم‌سازی منتهی نشود، می‌تواند به فرسایش راهبردی بینجامد. بر همین مبنا می‌توان چارچوبی با عنوان «زنجیره تاریخی‌شدن» پیشنهاد کرد. هیچ رویدادی ذاتا تاریخی نیست؛ رویداد زمانی تاریخ‌ساز می‌شود که بتواند به نظمی پایدار تبدیل شود. این فرایند پنج مرحله دارد: شوک که نظم موجود را بر هم می‌زند؛ آشکارسازی که توانایی‌ها و آسیب‌پذیری‌های واقعی را نمایان می‌کند؛ تفسیر که روایت سیاسی و حقوقی بحران را می‌سازد؛ ائتلاف‌سازی که این روایت را به حمایت یا بی‌طرفی دیگران تبدیل می‌کند؛ و در نهایت رسوب نهادی که دستاوردهای بحران را در قالب قواعد و سازوکارهای پایدار تثبیت می‌کند.

جنگ‌ها پایان می‌یابند و روایت‌ها رنگ می‌بازند، اما نهادهای برآمده از بحران، رفتار کشورها را برای دهه‌ها شکل می‌دهند. از همین رو، آینده خاورمیانه را الزاما بازیگری تعیین نخواهد کرد که بیشترین قدرت آتش را به نمایش گذاشته، بلکه کشوری تعیین می‌کند که بتواند دستاوردهای خود را به قواعد ماندگار نظم پس از جنگ تبدیل کند.

در اینجاست که پرسش اصلی برای ایران مطرح می‌شود: چگونه می‌توان بدون پذیرش صلح تحمیلی، از مرحله «بقا» عبور کرد و به مرحله «طراحی نظم» رسید؟ راه خروج ایران از دوگانه «تسلیم» یا «ادامه بی‌پایان جنگ»، نه انفعال است و نه صرفا تداوم مقاومت، بلکه مذاکره از موضع بازدارندگی برای تغییر چارچوب منازعه است؛ مذاکره‌ای که هدف آن توقف جنگ بدون پذیرش نتیجه سیاسی از پیش تعیین‌شده باشد.

نخستین گام، تفکیک آتش‌بس از توافق نهایی است. توقف درگیری نباید به حل هم‌زمان همه اختلافات، از پرونده هسته‌ای و تحریم‌ها تا مسائل منطقه‌ای، مشروط شود. آتش‌بس باید صرفا سازوکاری برای توقف متقابل عملیات نظامی و فراهم‌کردن فضای گفت‌وگو باشد، نه ابزاری برای تحمیل خواسته‌های راهبردی یک طرف بر طرف دیگر.

دومین اصل، تقارن در تعهدات است. هر محدودیتی که از ایران مطالبه می‌شود، باید با تعهدی هم‌وزن، قابل راستی‌آزمایی و دارای ضمانت اجرا از سوی طرف مقابل همراه باشد. توافق پایدار تنها زمانی شکل می‌گیرد که بر قاعده «تعهد در برابر تعهد، اقدام در برابر اقدام و تضمین در برابر تضمین» استوار باشد؛ نه بر وعده‌های سیاسی یا امتیازهای یک‌جانبه.

سوم، تفکیک پرونده‌های اختلافی است. تجربه نشان داده است که ادغام موضوعاتی چون برنامه هسته‌ای، توان دفاعی، تحریم‌ها، امنیت تنگه هرمز و بحران‌های منطقه‌ای در یک بسته واحد، احتمال شکست مذاکرات را افزایش می‌دهد. کارآمدتر آن است که هر موضوع در مسیر تخصصی خود دنبال شود تا پیشرفت در یک حوزه، قربانی بن‌بست در حوزه‌ای دیگر نشود.

چهارم، تفکیک اصول غیرقابل مذاکره از شیوه‌های تحقق آنهاست. تمامیت سرزمینی، استقلال تصمیم‌گیری، حق برخورداری از توان دفاعی متعارف و بهره‌گیری صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای می‌تواند در شمار اصول بنیادین قرار گیرد؛ اما درباره شیوه‌های نظارت، زمان‌بندی اجرای تعهدات، رفع تدریجی تحریم‌ها و سازوکارهای اعتمادساز، فضای مذاکره و ابتکار همچنان وجود دارد. انعطاف در روش به معنای عدول از اصول نیست؛ بلکه شرط دستیابی به توافقی پایدار است.

در کنار این چهار اصل، موفقیت هر راهبردی به توان ایران در تبدیل بازدارندگی به ائتلاف وابسته است. ازاین‌رو، راه‌حل بحران باید تا حد امکان منطقه‌ای شود، نه اینکه خود بحران به سراسر منطقه گسترش یابد. ایران می‌تواند ابتکار ایجاد ترتیبات امنیتی مشترکی را مطرح کند که بر اساس آن، کشورهای همسایه متعهد شوند از قلمرو و حریم هوایی خود برای اقدام نظامی علیه یکدیگر استفاده نشود و در مقابل، امنیت کشتیرانی، اصل عدم تعرض و سازوکارهای ارتباطی برای جلوگیری از سوءبرداشت‌های نظامی تقویت شود. چنین رویکردی، همسایگان را از تماشاگران بحران به ذی‌نفعان ثبات تبدیل می‌کند.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

اصل تفکیک در مسلخ

دیوان کیفری و آزمون عدالت در واقعه شجره طیبه

امیراحمد شیشه‌گر

عکس: امیرحسن خورگوئی، ایسنا

واقعه حمله به مدرسه «شجره طیبه»، فراتر از آنکه یک حادثه در بستر مخاصمات مسلحانه تلقی شود، گویای فروپاشی یکی از بنیادین‌ترین اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. آنچه در این مدرسه رخ داد، نه یک «خطای محاسباتی» در فرایند عملیات نظامی، بلکه نقض آشکار «اصل تفکیک» (Principle of Distinction) است؛ اصلی که به عنوان ستون فقرات حقوق جنگ، طرفین مخاصمه را مکلف می‌کند همواره میان اهداف نظامی و غیرنظامی تفاوت قائل شوند. درحالی‌که تصاویر منتشرشده از ویرانه‌های این مدرسه، نمادی از هدف قرارگرفتن زیرساخت‌های حیاتی و آموزشی است، پرسش بنیادین این است: آیا سازوکارهای حقوق بین‌الملل کیفری، به‌ویژه اساسنامه رم، قادر به گذار از سد «سیاست قدرت» و پاسخ‌گویی به این فاجعه هستند؟ از منظر حقوقی، این واقعه در یک خلأ قانونی رخ نداده است. کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی آن، مدارس را به عنوان «اعیان غیرنظامی» (Civilian Objects) تحت حمایت ویژه قرار داده‌اند. با این حال، تکرار چنین حملاتی از سوی ایالات متحده یا نیروهای تحت حمایت آن، این گمانه را تقویت می‌کند که استانداردهای حقوق بشردوستانه، در مواجهه با «دکترین جنگ راهبردی»، به‌تدریج به حاشیه رانده شده‌اند. این مقاله با اتکا به موازین «حقوق بین‌الملل کیفری» و با رویکردی انتقادی، بر آن است نشان دهد حمله به مدرسه شجره طیبه، اگر در چارچوب صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) مورد واکاوی قرار گیرد، واجد تمامی ارکان یک «جنایت جنگی» است. تحلیل پیش‌رو نه‌تنها به دنبال مستندسازی این واقعه است، بلکه می‌کوشد «بحران عدالت» در نظامی را به تصویر بکشد که در آن نقض قواعد آمره، به واسطه قدرت سیاسی، از پیگرد قضائی مصون می‌ماند. آیا مدرسه شجره طیبه به نامی در تاریخ نقض حقوق بشر بدل خواهد شد که دیوان کیفری بین‌المللی در برابر آن سکوت کرده است یا آزمونی برای اثبات کارآمدی عدالت جهانی در برابر «استثناگرایی نظامی» خواهد بود؟

مبانی حقوقی؛ حمایت از اعیان غیرنظامی و رویه‌های قضائی

در نظام حقوق مخاصمات مسلحانه (IHL)، مدرسه شجره طیبه فقط یک ساختمان نیست، بلکه یک «مؤسسه تحت حمایت» است. برای درک ابعاد جنایت در این واقعه، باید از متن کنوانسیون‌ها فراتر رفته و به تفسیرهای قضائی دادگاه‌های بین‌المللی متوسل شد.

۱. پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷) و اصل «احتیاط»

پروتکل اول، دامنه حمایت از غیرنظامیان را گسترش داده است. ماده ۵۷ (اقدامات احتیاطی در حمله) قلب تپنده این پروتکل است. طبق این ماده: مهاجم موظف است «تمام اقدامات احتیاطی ممکن» را اتخاذ کند تا اطمینان حاصل شود هدف، نظامی است. مهاجم موظف است «در صورت روشن‌شدن اینکه هدف، نظامی نیست یا تحت حمایت ویژه است، حمله را لغو یا تعلیق کند». حمله به مدرسه شجره طیبه، پرسشی اساسی را در برابر فرماندهان نظامی قرار می‌دهد: چه اقداماتی برای راستی‌آزمایی (Verification) ماهیت هدف انجام شده است؟ شکست در راستی‌آزمایی، خود یک «نقض مستقل» است، حتی اگر فرض نظامی‌بودن مدرسه (به طور اشتباه) وجود داشته باشد.

۲. درس‌هایی از رویه قضائی دادگاه‌های بین‌المللی (ICTY & ICTR)

رویه قضائی «دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق» (ICTY) چراغ راهی برای تحلیل واقعه شجره طیبه است: **پرونده گالیچ (Galic):** دادگاه تأکید کرد حتی اگر هدف دارای ماهیت دوگانه باشد، حمله‌ای که «غیرنظامیان را در معرض خطر نامتناسب قرار دهد»، جنایت جنگی است. در این پرونده، دادگاه تصریح کرد: «حمله به اماکن آموزشی، بدون هدف نظامی بسیار مشخص، مستلزم احراز سوءنیت (Intent) است». **پرونده کوپریشکیچ (Kupreški):** این دادگاه یکی از مهم‌ترین تفسیرها را درباره اصل تفکیک ارائه داد: «اصل تفکیک یک قاعده آمره (Jus Cogens) است و هیچ ضرورتی (حتی ضرورت نظامی) نمی‌تواند نقض آن را توجیه کند». این بدان معناست که در مقام داوری، «ضرورت نظامی» نمی‌تواند به عنوان بهانه‌ای برای هدف قراردادن مدرسه‌ای که کودکان در آن پناه گرفته‌اند، مورد استفاده قرار گیرد.

۳. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) و رویه کنونی

دیوان کیفری بین‌المللی در تفسیر ماده ۸ اساسنامه رم، از استانداردهای سخت‌گیرانه‌تری استفاده می‌کند. در رویه جاری دیوان، به‌ویژه در پرونده‌هایی که به تخریب اماکن فرهنگی و آموزشی مربوط می‌شود (نظیر پرونده احمد المهدی)، دیوان به این نتیجه رسیده است: «حمله به اماکنی که کارکرد آموزشی و اجتماعی دارند، به دلیل تخریب «بافت حیات غیرنظامی»، آسیب مستقیم غیرقابل جبرانی به حقوق بشر وارد می‌کند و این آسیب باید در سنجش «مزیت نظامی» لحاظ شود». این رویه ثابت می‌کند اگر دیوان کیفری بین‌المللی بخواهد به واقعه شجره طیبه رسیدگی کند، دیگر نمی‌تواند به ادعای کلی «وجود سلاح در مدرسه» بسنده کند، بلکه مهاجم باید اثبات کند: مدرسه «کارکرد» نظامی فعال داشته است (نه صرفا ذخیره‌سازی احتمالی)؛ حمله، تنها راه خنثی‌سازی آن تهدید بوده است (اصل ضرورت)؛ هشدارهای لازم برای تخلیه غیرنظامیان (طبق ماده ۵۷ پروتکل اول) صادر شده است. با استناد به رویه قضائی دادگاه یوگسلاوی و تفسیرهای پروتکل اول، حمله به شجره طیبه یک «انحراف آشکار» از استانداردهای بین‌المللی است. وقتی نهادهای قضائی بین‌المللی، «اصل تفکیک» را یک قاعده آمره می‌دانند، هرگونه «خطای اطلاعاتی» در هدف‌گیریِ مدرسه، به معنای نقض حقوق بین‌الملل است، نه یک حادثه تصادفی.

تحلیل ارکان جنایت؛ از «قصد حمله» تا «مسئولیت فرماندهی»

در حقوق بین‌الملل کیفری، برای اینکه حمله به مدرسه «شجره طیبه» از یک نقض حقوقی به یک «جنایت جنگی قابل پیگرد» تبدیل شود، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) باید ارکان مندرج در ماده ۸ اساسنامه رم را اثبات کند. این تحلیل بر دو پایه استوار است:

۱. ارکان تشکیل‌دهنده جرم (Elements of Crimes)

طبق بند ۲ از ماده ۸ اساسنامه رم، هدف قراردادن عمدی ساختمان‌های اختصاص‌یافته به آموزش، جنایت جنگی محسوب می‌شود، مشروط بر اینکه این ساختمان‌ها «هدف نظامی» نباشند. تحلیل ارکان این جنایت در واقعه شجره طیبه به شرح زیر است:

عنصر مادی (Actus Reus): اجرای عملیات نظامی علیه ساختمانی که هویت آموزشی آن برای طرفین محرز بوده است. در اینجا، «اقدام» به حمله محرز است.

عنصر معنوی (Mens Rea): این پیچیده‌ترین بخش پرونده است. طبق ماده ۳۰ اساسنامه رم، مرتکب باید با «قصد و آگاهی» (Intent and Knowledge) عمل کرده باشد.

تحلیل انتقادی: مدافعان اقدام نظامی ممکن است ادعا کنند «قصد کشتار دانش‌آموزان» وجود نداشته است، اما حقوق کیفری بین‌المللی این دفاع را نمی‌پذیرد. کافی است اثبات شود مهاجم «می‌دانسته» یا «به‌طور معقول می‌بایست می‌دانسته» (Constructive Knowledge) که هدف، یک مدرسه است. در این صورت، «بی‌مبالاتی مفرط» در هدف‌گیری، به معنای وجود عنصر معنوی برای جنایت است.

۲. اصل تناسب (Proportionality) در ترازوی جنایات

مطابق ماده ۸(۲)(iv)(b) اساسنامه رم، حمله‌ای که آگاهانه انجام شود و «خسارات جانبی» آن نسبت به «مزیت نظامیِ مستقیم» به‌وضوح افراطی باشد، جنایت جنگی است. **نقد عملیاتی:** در واقعه شجره طیبه، حتیِ اگر یک هدف نظامی فرعی در مجاورت مدرسه بوده باشد، «تلفات انسانی» در یک محیط آموزشی، قاعدتا هرگونه مزیت نظامی را بی‌اثر می‌کند. تکرار این الگو در حملات مشابه، نشان‌دهنده یک «الگوی رفتاری» (Pattern of Conduct) است که در نزد دیوان، قرینه‌ای بر نادیده‌گرفتنِ عامدانه اصول انسانی برای دستیابی به اهداف استراتژیک است.

«برای درک ابعاد فاجعه و اثبات عنصر مادی جرم (Actus Reus) در واقعه شجره طیبه، توجه به فکت‌های میدانی ضروری است. در تاریخ ۹ اسفند ۱۴۰۴ ساعت ۱۰:۴۵ صبح به وقت ایران، مدرسه شجره طیبه واقع در میناب در استان هرمزگان که پناهگاه و محل آموزش کودکان بود، با استفاده از سلاح (موشک) کروز تاماهاوک مورد حمله قرار گرفت. این موشک‌ها که توسط شرکت هواوفضای ریتیان تولید می‌شوند، سلاح اصلی تهاجمی نیروی دریایی آمریکا به شمار می‌روند. تاماهاوک موشکی مادون صوت با برد عملیاتی بیش از هزارو ۶۰۰ کیلومتر است که از سیستم هدایت فوق‌پیشرفته (GPS و TERCOM) برای اصابت به اهداف دقیق بهره می‌برد؛ موضوعی که نشان می‌دهد هدف قراردادن مدرسه میناب نه یک اشتباه، بلکه یک انتخاب آگاهانه بوده است. بر اساس گزارش‌های مستند، این حمله منجر به کشته‌شدن حداقل ۱۵۶ نفر شده؛ قربانیان شامل ۱۲۰ دانش‌آموز (۷۳ پسر و ۴۷ دختر)، ۲۶ معلم (که همگی زن بودند)، هفت نفر از والدین دانش‌آموزان (چهار مرد و سه زن)، یک راننده سرویس مدرسه، یک تکنیسین داروخانه از درمانگاه مجاور و یک جنین شش‌ماهه و مجروحیت ۹۶ نفر شد که اکثریت قریب به اتفاق آنان را کودکان و غیرنظامیان تشکیل می‌دادند. این حجم از تلفات انسانی در یک محیط آموزشی، نشان می‌دهد حتی اگر مهاجم ادعای وجود یک هدف فرعی نظامی در مجاورت مدرسه را داشته باشد، میزان خسارت جانبی به‌وضوح افراطی و ناقض اصل تناسب بوده است».

۳. مسئولیت فرماندهی؛ گذار از اپراتور به تصمیم‌گیرنده

یکی از نقاط کلیدی این تحلیل، ماده ۲۸ اساسنامه رم است. این ماده «مسئولیت مافوق» را تعریف می‌کند. فرماندهی که دستور حمله را صادر کرده یا در نظارت بر نیروهای تحت امرش برای رعایت اصل تفکیک قصور ورزیده، از نظر کیفری مسئول است. **تحلیل انتقادی:** اغلب در تحلیل‌های ژورنالیستی، خلبان یا اپراتور هدف قرار می‌گیرد، اما اساسنامه رم بر «زنجیره فرماندهی» تأکید دارد. اگر فرماندهان نظامی، سیستم‌های شناسایی (Targeting Systems) خود را به‌گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که مدارس را در لیست اهداف «قابل حمله» قرار می‌دهند، آنها مرتکب «طراحی سیستمی جنایت» شده‌اند. در اینجا، «قصور در جلوگیری» از حمله به یک مدرسه، در صورت آگاهی فرمانده از موقعیت آن، مستقیما ذیل ماده ۲۸ قرار می‌گیرد.

۴. چالش «استثناگرایی» و مصونیت قضائی

اینجاست که تحلیل حقوقی با واقعیت سیاسی برخورد می‌کند. اگر ایالات متحده (به عنوان طرف درگیر) عضو اساسنامه رم نباشد، دیوان کیفری بین‌المللی با محدودیت صلاحیت سرزمینی یا شخصی روبه‌روست. اما این به معنای پایان راه نیست. اگر این حمله در سرزمینی رخ داده باشد که عضو دیوان است (یا در صورت صدور قطع‌نامه شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور ملل متحد)، این دادگاه صلاحیت ذاتی دارد. حمله به مدرسه شجره طیبه، تمام عناصر یک جنایت جنگی «کلاسیک» را دارد. عبور از «عنصر معنوی» (آگاهی از ماهیت مدرسه) و مسئولیت «فرماندهی ارشد» در یک «مقیاس نامتناسب»، نشان می‌دهد که این حمله نه یک استثنا، بلکه بخشی از یک راهبرد کلان است که در آن، قواعد بین‌المللی کیفری، صرفا در برابر قدرت نظامیِ مطلق، رنگ می‌بازند.

ابعاد سیاسی و دیپلماتیک؛ استانداردهای دوگانه در سیاست جهانی

حمله به مدرسه «شجره طیبه» فراتر از پیامدهای حقوقی، آینه‌ای است که «بحران مشروعیت» در نظم فعلی بین‌المللی را بازتاب می‌دهد. در این عرصه، میان «حقوق بین‌الملل آرمانی» و «سیاست قدرت واقعی» (Realpolitik) شکافی عمیق وجود دارد؛ شکافی که در آن، واژه «جنایت جنگی» بسته به نام مهاجم، تغییر ماهیت می‌دهد.

۱. پارادوکس «استثناگرایی» و عدالت انتخابی

نظام بین‌المللی کیفری، همواره درگیر یک تناقض بنیادین بوده است: «عدالت برای همه، به جز برای قدرتمندان». استفاده از «استانداردهای دوگانه» (Double Standards) در واکنش به حمله به مدرسه شجره طیبه، این پرسش را به میان می‌آورد که آیا نظام قضائی بین‌المللی ابزاری برای تحقق عدالت است یا دستاویزی برای فشار بر بازیگرانِ ضعیف‌تر؟

تحلیل انتقادی: در حالی که نهادهای بین‌المللی در قبال برخی درگیری‌ها، مکانیسم‌های تحقیق و تفحص را در سریع‌ترین زمان فعال می‌کنند، در پرونده‌هایی که قدرت‌های جهانی (به‌ویژه ایالات متحده) در آن دخیل هستند، شاهد نوعی «فلج دیپلماتیک» هستیم. این سکوت یا توجیهاتِ ساختاری، پیامی خطرناک به جهان مخابره می‌کند: «نقض حقوق بشر توسط قدرت‌های بزرگ، قابل‌اغماض است».

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

خبرخوان

ثبت جهانی قلعه تاریخی الموت

مهر: قلعه تاریخی الموت در استان قزوین، در فهرست میراث جهانی ثبت شد. هم‌زمان با ثبت پرونده «قلعه الموت و استحکامات وابسته» به‌عنوان سی‌امین اثر فرهنگی ملموس جمهوری اسلامی ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو، سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، در چهل‌وهشتمین نشست کمیته میراث جهانی در بوسان کره جنوبی، این دستاورد را نمادی از تداوم هویت تمدنی ایران دانست و با تأکید بر پیوند ناگسستنی میراث فرهنگی با صلح، امنیت و گفت‌وگوی میان ملت‌ها، ثبت جهانی الموت را تثبیت جایگاه اندیشه، حافظه تاریخی و ظرفیت فرهنگی ایران در نظام میراث جهانی توصیف کرد. پرونده «قلعه الموت و استحکامات وابسته» روز یکشنبه چهارم مرداد ۱۴۰۵، در چهل‌وهشتمین نشست کمیته میراث جهانی یونسکو در شهر بوسان جمهوری کره، با رأی اعضای این کمیته در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید و به‌عنوان سی‌امین اثر فرهنگی ملموس جمهوری اسلامی ایران در این فهرست جای گرفت. رضا صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، پس از اعلام رسمی ثبت این پرونده، با اشاره به فلسفه و رسالت کنوانسیون میراث جهانی ۱۹۷۲، این سند بین‌المللی را تجلی باور مشترک ملت‌ها به تعلق میراث فرهنگی به تمامی بشریت دانست و گفت: «حفاظت از میراث جهانی فقط در سایه صلح، امنیت، احترام متقابل و گفت‌وگوی سازنده میان دولت‌ها و ملت‌ها امکان‌پذیر است». او با تشریح اهمیت پرونده ثبت‌شده، گفت: «الموت، حلقه اساسی و تکمیل‌کننده در زنجیره تحول معماری، مهندسی و نظام‌های دفاعی ایران در پیوند با فرهنگ جهانی است. این اثر با بهره‌گیری هوشمندانه از طبیعت، دانش و نوآوری‌های مهندسی و مدیریتی، نماد ایستادگی و مقاومت در مقطعی تاریخی مهم و تأثیرگذار در جهان بوده که آموزه‌های فرهنگی آن هنوز مورد توجه بسیاری از انسان‌های امروزی است. ثبت جهانی الموت، ثبت جایگاه اندیشه، حافظه تاریخی و ظرفیت فرهنگی ایران در نظام میراث جهانی است. در عین حال ما این ثبت را آغاز مسئولیتی بزرگ‌تر برای حفاظت، پژوهش، آموزش، تبادل دانش و گسترش همکاری‌های بین‌المللی می‌دانیم». ثبت جهانی «قلعه الموت و استحکامات وابسته» به‌عنوان سی‌امین اثر فرهنگی ملموس ایران، علاوه بر تثبیت جایگاه تمدنی و تاریخی کشور در منظومه میراث جهانی، نقطه عطفی در تقویت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و توسعه همکاری‌های علمی، حفاظتی و پژوهشی با نهادهای بین‌المللی در حوزه میراث فرهنگی به شمار می‌آید.

شگرد جدید کلاهبرداری تلفنی

معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس فتای فراجا با اشاره به شگرد جدید مجرمان سایبری گفت: «کلاهبرداران در تماس‌های تلفنی و با بهانه‌هایی مانند برنده‌شدن در قرعه‌کشی، تخفیف‌های ویژه یا فعال‌سازی خدمات، از شهروندان کد تأیید ورود دریافت می‌کنند». جواد مختاررضایی با اشاره به شگرد جدید مجرمان سایبری افزود: «کلاهبرداران با استفاده از کد دریافتی وارد حساب‌های خرید اعتباری مانند اسنپ‌پی و دیجی‌پی شده و با اعتبار قربانی خرید می‌کنند، در حالی که اقساط و بدهی مالی بر عهده شهروند باقی می‌ماند». توصیه پلیس فتا به شهروندان این است که هیچ پلتفرم معتبری، کد تأیید را تلفنی درخواست نمی‌کند. کد تأیید، کلید ورود به حریم مالی شماست؛ آن را در اختیار هیچ‌کس قرار ندهید. در برابر تماس‌های وسوسه‌انگیز، هوشیار باشید و تماس را قطع کنید.

آگهی دعوت شرکت صنایع پزشکی مهرگان طب رازی (با مسئولیت محدود)
شناسه ملی : ۱۰۱۹۰۰۴۶۵۸۸
شماره ثبت شرکت : ۱۹۰۹

بدین وسیله از کلیه شرکا و اعضای شرکت صنایع پزشکی مهرگان طب رازی (با مسئولیت محدود) شناسه ملی : ۱۰۱۹۰۰۴۶۵۸۸ و شماره ثبت شرکت ۱۹۰۹ دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده در ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ و جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ در آدرس: استان البرز، شهرستان اشتهارد، بخش مرکزی، دهستان صحت آباد، روستای شهرک صنعتی اشتهارد، شهرک صنعتی اشتهارد، بلوار سعدی شرقی، خیابان نخلستان ۱، پلاک ۲۳۳، طبقه همکف به کد پستی : ۳۱۸۸۱۱۷۱۳۱ تشکیل می گردد حضور بهمراه رسانند.

دستور جلسه:
مجمع عمومی فوق‌العاده ساعت ۸ صبح مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ : اصلاح و تغییر برخی از مواد اساسنامه و هر آنچه در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می باشد.

دستور جلسه:
مجمع عمومی فوق العاده ساعت ۱۰ صبح مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ : افزایش سرمایه

مرجع دعوت : مدیرعامل

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ التحصیلی اینجانب: ابوالفضل منتظری، فرزند: محمدعلی به شماره شناسنامه: ۷۵۰ صادره از شاهرود در مقطع کاردانی پیوسته رشته امور اداری صادره از واحد دانشگاهی اسلامشهر با شماره سریال: ۳۹۴۴۴۱۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار میباشد.
از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر به نشانی: اسلامشهر میدان نماز- خ شهید صیاد شیرازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر ارسال نماید.

برگ سبز و کارت خودرو و سند کمپانی و پلاک جلووعقب سواری پراید مدل ۱۳۸۱ به رنگ سفید به شماره شاسی S1412281883508 و شماره موتور ۰۰۴۱۷۶۴۸ شماره پلاک ایران ۶۶_ ۸۵۴ ل ۴۶ به نام **ابوالفضل قاسمی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار میباشد.

شماره : ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۰۰۷۰۰۲۶۴۳
تاریخ : ۱۴۰۵/۰۴/۰۷

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فلاورجان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۰۰۷۰۰۱۳۱۰ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فلاورجان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای صادق توکلی گار ماسه فرزند صفر علی بشماره شناسنامه ۶۷۲۹ صادره از در ششدانگ یکقطعه زمین کشاورزی با کاربری اراضی مزروعی بدون درج اعیانی به مساحت ۱۰۷۲/۸۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۴۷ فرعی از ۴۱۱ اصلی واقع در شرودان بخش ۹ حوزه ثبت فلاورجان خریداری از مالک رسمی شمس محمود دولت آبادی فرزند فخرالدین محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۴/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۵/۰۵/۰۵
شناسه آگهی: ۲۲۲۳۱۲۲

صادق عزیزی دیماندول- رئیس ثبت اسناد و املاک

شماره : ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۰۰۷۰۰۲۶۴۱
تاریخ : ۱۴۰۵/۰۴/۰۷

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فلاورجان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۰۰۷۰۰۱۸۵۶ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فلاورجان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای رحمت اله رشیدی فرزند شعبانعلی بشماره شناسنامه ۶۰ صادره از در ششدانگ یکقطعه زمین کشاورزی با کاربری اراضی مزروعی بدون درج اعیانی به مساحت ۸۵۰/۲۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۱۶۴ فرعی از ۴۳۰ اصلی واقع در مینا دشت بخش ۹ حوزه ثبت فلاورجان خریداری که متقاضی خود مالک رسمی مشاعی میباشد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول :۱۴۰۵/۰۴/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۵/۰۵/۰۵
شناسه آگهی: ۲۲۲۱۲۹۶

عباس عزیزی دیماندول - رئیس ثبت اسناد و املاک